

تحلیل چندسطحی از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان: نقش فرهنگ مدرسه و نیازهای

روان‌شناختی اساسی

جواد امانی ساری بگلو^{1*}؛ فیروزه سپهریان آذر²؛ شهرام واحدی³

چکیده

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار HLM استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که در سطح فردی نیازهای روان‌شناختی اساسی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) اثر منفی و معنی‌دار بر از خودبیگانگی تحصیلی دارند. در سطح مدرسه نیز اثرات روابط دانش‌آموزان و معلمان و فرصت‌های آموزشی بر متغیر وابسته منفی و معنی‌دار بود. اما روابط دانش‌آموزان و انتظارات هنجاری اثر معنی‌داری بر این متغیر نداشتند. به طور کلی یافته‌های پژوهش بر لزوم توجه به نقش عوامل چندسطحی در مطالعه از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان تأکید می‌کنند.

واژگان کلیدی: از خودبیگانگی تحصیلی، نیازهای روان‌شناختی اساسی، فرهنگ مدرسه، نظریه خودتعیین‌گری.

از خودبیگانگی، حالت انزوا از یک گروه یا فعالیتی است که انتظار می‌رود فرد در حالت عادی با آن گروه احساس همبستگی نموده یا با آن فعالیت درگیر شود. نوجوانانی که دچار از خودبیگانگی تحصیلی هستند، تبدیل به بزرگسالانی می‌شوند که از لحاظ اقتصادی و سیاسی منزوی بوده و در فقر زندگی می‌کنند. هدف پژوهش حاضر، بررسی چندسطحی رابطه فرهنگ مدرسه، نیازهای روان‌شناختی اساسی و از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان بود. بدین منظور، 1029 نفر از دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر ارومیه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده و به پرسش‌نامه‌های از خودبیگانگی تحصیلی، فرهنگ مدرسه و نیازهای روان‌شناختی اساسی پاسخ دادند.

1. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی (*نویسنده مسئول) mj.amani@gmail.com

2. دانشیار علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه f_sepehrian@yahoo.com

3. دانشیار علوم تربیتی، دانشگاه تبریز vahedi117@yahoo.com

مقدمه

ضروری است که متخصصان تعلیم و تربیت، خانواده‌ها و کارکنان مدارس آگاهی عمیقی در مورد مفهوم از خودبیگانگی کسب کرده و سپس بتوانند در راستای کاهش آن اقداماتی انجام دهند.

مفهوم از خودبیگانگی حدود 160 سال پیش، از اندیشه مسیحیت، اندیشه فلسفی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی برخاست. (تراستی و دولی - دیک، 1993) به باور مان⁵ (2001) از خودبیگانگی حالت یا تجربه انزوا از یک گروه یا فعالیتی می‌باشد که انتظار می‌رود فرد در حالت عادی با آن گروه احساس همبستگی نموده یا با آن فعالیت درگیر شود. از خودبیگانگی از مدرسه یا از خودبیگانگی تحصیلی، نسبت به مفهوم از خودبیگانگی کلی، مفهوم نسبتاً جدیدی است که اخیراً به عنوان سازه‌ای جهت فهم رفتارهای دانش‌آموزان شکل گرفته است. (تراستی و دولی - دیک، 1993) در واقع بین دهه 1950 تا 1970 میلادی، دانشمندان علوم اجتماعی به بررسی از خودبیگانگی دانش‌آموزان در مدارس علاقه‌مند شدند. (براون، هیگینز و پاولسن، 2003) تعریف و طبقه‌بندی سیمن⁶ (1959) از از خودبیگانگی آغازگر این پژوهش‌ها بود. وی از خودبیگانگی را به صورت وجود ناهمخوانی بین انتظارات شخصی و میزان پاداش کسب شده در جامعه مدرن تعریف می‌کند و آن را به پنج بعد تقسیم می‌کند. این ابعاد شامل انزوای اجتماعی⁷، از خودبیگانگی فرهنگی⁸، انزوا از خود⁹، ناتوانی¹⁰، احساس بی‌معنایی¹¹ و بی‌هنجاری¹² می‌باشند. با این وجود، پژوهشگران علوم اجتماعی نتوانستند وجود این پنج بعد را اعتباریابی کنند. در ادامه این پژوهش‌ها دین¹³ (1961) براساس کار سیمن، به این نتیجه رسید که از خودبیگانگی از سه

از خودبیگانگی¹ بحرانی است که عده‌ای از نوجوانان در طی تحصیل دچار آن می‌شوند. این بحران خود را به صورت رفتارهایی مخرب از قبیل عضویت در گروه‌های خلافکار، خشونت، خرابکاری یا ولگردی²، غیبت از مدرسه و مدرسه‌گریزی و یا سایر رفتارهای منحرف نشان می‌دهد. علاوه بر آن دانش‌آموزان از خودبیگانه، ارزشی برای درس خواندن قائل نیستند و یادگیری در مدرسه برای آنان بی‌معنی است. (تراستی و دولی - دیک³، 1993) به علت اینکه نوجوانان بخش اعظم زندگی خود را در مدرسه می‌گذرانند، این سازمان نقش مهمی در آماده‌سازی آنان برای زندگی اجتماعی و شغلی دارد. با این وجود، دانش‌آموزان زیادی قبل از اینکه به طور کامل برای زندگی اجتماعی و شغلی آماده شوند، از مدرسه فراری شده و ترک تحصیل می‌کنند. علاوه بر آن، دانش‌آموزان از خودبیگانه عموماً تبدیل به بزرگسالانی می‌شوند که دچار از خودبیگانگی اجتماعی بوده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیز فاقد توانایی هستند. (براون، هیگینز و پاولسن⁴، 2003)

از خودبیگانگی، مفهوم جدیدی نیست و متخصصان تعلیم و تربیت، مدیران و کارکنان مدارس از وجود دانش‌آموزان از خودبیگانه در مدرسه و کلاس درس خود آگاهی دارند. این دانش‌آموزان رفتارهای متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. مانند، بعضی از آن‌ها در کلاس نشسته و فقط به معلم زل می‌زنند. به معلمان توهین می‌کنند، کلاس را به هم می‌زنند و وقتی این رفتارها از حد خود گذشت، مدرسه را ترک می‌کنند. بعضی از این دانش‌آموزان، مدرسه را برای مدتی ترک می‌کنند و برخی دیگر برای همیشه از درس و مدرسه کناره‌گیری می‌کنند. این نوجوانان از نظامی بیگانه می‌شوند که هدف اصلی آن آموزش و تربیت آنان است. بنابراین با توجه به این مطالب،

5. Mann

6. Seeman

7. Social isolation

8. Cultural alienation

9. Self-isolation

10. Powerlessness

11. Meaninglessness

12. Normlessness

13. Dean

1. Alienation

2. Vandalism

3. Trusty & Dooley-Dickey

4. Brown, Higgins & Paulsen

خودبیبگانگی تحصیلی در ادبیات تعلیم و تربیت هم از لحاظ نظری و هم کاربردی، لازم است به عوامل زمینه‌ساز آن پرداخته شود.

با مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل همبسته یا زمینه‌ساز از خودبیبگانگی تحصیلی نوجوانان، می‌توان این عوامل را در دو سطح فردی و محیطی مورد بررسی قرار داد. برخی از متغیرهای فردی شامل جنسیت، سن، پیش‌زمینه اجتماعی- فرهنگی و انتظارات تحصیلی هستند. برای مثال میزان از خودبیبگانگی در پسران بیشتر از دختران است. (کلیل، زیول- گست³، 2008) یا با افزایش سن در دوره نوجوانی میزان انگیزش کاهش یافته و در نتیجه میزان از خودبیبگانگی آنان افزایش می‌یابد. (جالوب و همکاران⁴، 2002) در این پژوهش‌ها محققان بیشتر به متغیرهای جمعیت‌شناختی توجه داشته‌اند و نقش عوامل انگیزشی را دست کم گرفته‌اند. این در حالی است که به باور هاسچر و هاگنauer⁵ (2011) انگیزش مفهوم ارتباط‌دهنده از خودبیبگانگی با سایر متغیرها می‌باشد. نظریه خودتعیین‌گری⁶ یکی از مهمترین نظریه‌ها در زمینه انگیزش می‌باشد.

اساس نظریه خودتعیین‌گری را نیازهای روان‌شناختی اساسی تشکیل می‌دهند که به عنوان انگیزشی برای رشد سالم روانی آشکار می‌شوند. این سه نیاز، شامل نیاز به خودمختاری⁷، شایستگی⁸ و ارتباط⁹ هستند. (ریو¹⁰، 2009) نیاز به خودمختاری به تمایل فرد به شروع و تنظیم رفتار توسط خودش، شایستگی به تمایل فرد به احساس مؤثر بودن در دستیابی به نتایج ارزشمند و مفید و ارتباط به تمایل فرد به احساس ارتباط و پیوستگی با دیگران اشاره دارد. براساس نظریه خودتعیین‌گری، این سه نیاز می‌تواند از طریق درگیر شدن فرد در انواع وسیعی از

بعد تشکیل یافته است که شامل انزوای اجتماعی، ناتوانی و بی‌هنجاری می‌باشند.

به باور دین (1961)، انزوای اجتماعی به معنی احساس تنهایی حتی در صورت مصاحبت کردن با دیگران می‌باشد. در این حالت فرد به این باور می‌رسد که رابطه صمیمانه و با معنی با دوستان، خانواده و جامعه ندارد. دانش‌آموزانی که احساس انزوا می‌کنند، تمایل به جدا شدن از گروه‌های مهم و اصلی دارند و احساس کمبود رابطه و همبستگی با دیگران می‌کنند. بعد دوم یعنی ناتوانی نشانگر احساس ناتوانی فرد در تغییر انتخاب‌های خود و این باور که فرد کنترل کمی بر وقایع دور و بر خود دارد، می‌باشد. این مفهوم ارتباط نزدیکی با منبع کنترل بیرونی¹ دارد. دانش‌آموزانی که احساس ناتوانی می‌کنند، اغلب هنگام مواجه شدن با مسائل یا شکست، تکالیف را رها می‌کنند. در نهایت، بی‌هنجاری به معنی عدم پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای مسلط در جامعه می‌باشد. در محیط مدرسه، دانش‌آموزان بی‌هنجار احساس می‌کنند که ارتباطی با هنجارهای مدرسه یا کلاس ندارند. آن‌ها در رعایت قوانین با مشکل مواجه می‌شوند و ارزش‌ها و اهداف آن‌ها با ارزش‌های مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان در تضاد قرار می‌گیرد. بی‌هنجاری عمدتاً زمانی روی می‌دهد که نظام ارزشی دانش‌آموز با هنجارهای مدرسه یا گروهی که فرد در آن عضو است، در تضاد قرار گیرد. (دین، 1961) این احساسات در محیط مدرسه بر عملکرد تحصیلی، موفقیت و در نهایت بر ثبات و پایداری دانش‌آموزان در زمینه تحصیل تأثیر می‌گذارند. (روایی و وایتینگ²، 2005) علاوه بر آن این ابعاد با مشکلات عمومی دانش‌آموزان و مدارس از قبیل گریز از مدرسه، وندالیسم یا خرابکاری و مشارکت کمتر در فعالیت‌های مدرسه ارتباط دارند. بنابراین از خودبیبگانگی ارتباط مستقیمی با موفقیت و شکست مدارس در امر تعلیم و تربیت نوجوانان دارد. (براون، هیگینز و پاولسن، 2003) با توجه به اهمیت مفهوم از

3. Kalil & Zioli-Guest,

4. Jacobs et al

5. Hascher & Hagenauer

6. Self-determination theory

7. Autonomy

8. Competence

9. Relatedness

10. Reeve

1. External locus of control

2. Rovai & Wighting

شایان ذکر است که تاکنون پژوهشی به بررسی ارتباط این نیازها با از خودبیگانگی نوجوانان نپرداخته و پژوهش حاضر اولین گام در این رابطه می‌باشد. علاوه بر نیازهای روان‌شناختی اساسی، از خودبیگانگی تحصیلی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار دارد که فرهنگ مدرسه یکی از این عوامل می‌باشد.

فرهنگ مدرسه، نظامی از هنجارها، معانی و ارزش‌هایی است که بین اعضای یک مدرسه اعم از دانش‌آموزان، معلمان و سایر کارکنان مشترک می‌باشد. (پورکی³، 1990) ویژگی اساسی فرهنگ، پایداری بسیار بالای آن است؛ به طوری که در مقابل تأثیرات وارده از محیط بسیار مقاوم بوده و به ندرت تغییر می‌یابد. این ویژگی باعث می‌شود، فرهنگ اثر نیرومند و دامنه‌دار و تا حدی یکسان بر گروه‌های مختلفی از دانش‌آموزان که به یک مدرسه وارد می‌شوند، بگذارد. (هافستد، هافستد و مینکوف⁴، 2010) به باور الساندرو و ساد⁵ (1997) فرهنگ مدرسه از چهار بعد انتظارات هنجاری⁶ (میزان درونی‌سازی و رعایت مقررات مدرسه توسط دانش‌آموزان)، روابط دانش‌آموزان با معلمان، روابط دانش‌آموزان با یکدیگر، و فرصت‌های آموزشی⁷ (رعایت عدالت در دادن فرصت‌ها و امکانات آموزشی به دانش‌آموزان) تشکیل شده است.

ابعاد فرهنگ مدرسه می‌توانند با از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان در ارتباط باشند. احساس انسجام با محیط مدرسه و درونی‌سازی قوانین و هنجارهای آن از جمله عواملی است که باعث افزایش علاقه دانش‌آموزان به مدرسه شده و مانع از خودبیگانگی آنان می‌شود. (روایی و وایتینگ، 2005) علاوه بر آن هر چه قدر در مدرسه تعاملی دوستانه بین

رفتارها برآورده شوند که از فردی به فرد دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. بدون توجه به نحوه برآورده شدن این نیازها، نکته مهم این است که برآورده شدن آن‌ها برای رشد سالم و سلامت روانی تمامی افراد در همه فرهنگ‌ها ضروری است. (سوربو، هلواری، گولی و کریستینسن¹، 2009) در صورتی که نیازهای روان‌شناختی اساسی برآورده شوند، احساس اعتماد به نفس و خودارزشمندی در افراد شکل می‌گیرد، اما در صورت ممانعت و عدم برآورده شدن این نیازها، فرد، درکی شکننده، منفی، بیگانه و انتقادآمیز از خود خواهد داشت.

نیاز به خودمختاری ممکن است ارتباط منفی با از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان داشته باشد. زیرا به باور دین (1961) یکی از عوامل زمینه‌ساز از خودبیگانگی احساس عدم توانایی در کنترل رویدادهای محیطی است که نیاز به خودمختاری نیز به این معنی است. بنابراین انتظار می‌رود هرچه فرد احساس آزادی عمل و خودمختاری کمتری داشته باشد به همان اندازه احساس از خودبیگانگی نیز در او بالا خواهد بود. نیاز به شایستگی نیز به معنی احساس ارزشمندی و مؤثر بودن در تعامل با محیط اطراف می‌باشد و پژوهش‌ها نشان داده که هر چه دانش‌آموزان احساس ناتوانی در امور تحصیلی نمایند و قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی نباشند، احتمال اینکه آن‌ها از مدرسه فاصله گرفته و دچار از خودبیگانگی شوند بسیار زیاد است. (لگولت و همکاران²، 2006) بنابراین فرض می‌شود که نیاز به شایستگی ارتباط منفی با از خودبیگانگی تحصیلی دارد. همچنین نیاز به ارتباط نیز ممکن است ارتباط منفی با از خودبیگانگی نوجوانان داشته باشد. به باور روایی و وایتینگ (2005) داشتن حس انسجام و همبستگی مثبت با دیگران یکی از نیازهای بسیار مهم انسان بوده و هر چه فرد بیشتر با دیگران عجین باشد به همان نسبت احساس انزوا و از خودبیگانگی کمتری خواهد نمود.

3. Purkey

4. Hofstede, Hofstede & Minkov

5. Alessandro and Sadh

6. Normative expectations

7. Educational opportunities

1. Sorebo, Halvari, Gulli & Kristiansen

2. Legault et al

- 6- بعد روابط دانش‌آموزان با معلمان رابطه منفی با از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد.
- 7- بعد فرصت‌های آموزشی رابطه منفی با از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی با هدف پیش‌بینی از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان از روی متغیرهای فردی و محیطی (فرهنگ مدرسه) می‌باشد. با توجه به اینکه متغیرها در دو سطح مدرسه و دانش‌آموز سنجش شده‌اند، استفاده از رگرسیون چندمتغیره در این پژوهش مناسب نبوده و از روش مدل‌های خطی سلسله مراتبی¹ (HLM) استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه شاغل به تحصیل در سال تحصیلی 91-92 شهرستان ارومیه بودند. تعداد کل این دانش‌آموزان 15107 نفر (8016 پسر و 7091 دختر) می‌باشد. غالباً حجم نمونه در مطالعات چندسطحی نیازمند تعداد زیادی نمونه در سطوح مختلف است. (عزیزی و روستا، 1389) بنابراین با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، 1100 نفر از دانش‌آموزان از 28 مدرسه (15 مدرسه پسرانه و 13 مدرسه دخترانه) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. با توجه به اینکه پرسش‌نامه مربوط به 71 نفر قابل استفاده نبود در تحلیل نهایی 1029 پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. 503 نفر (48/9 درصد) از افراد نمونه پسر و 526 (51/1 درصد) دختر بودند. 246 نفر از این دانش‌آموزان در سال اول متوسطه تحصیل می‌کردند. 328 نفر در رشته ریاضی و فیزیک، 224 نفر علوم تجربی، 127 نفر علوم انسانی و 67 نفر در رشته فنی و حرفه‌ای و کاردانش مشغول به تحصیل بودند. 37 نفر نیز رشته تحصیلی خود را بیان ننموده بودند.

برای اندازه‌گیری از خودبینگانی تحصیلی از پرسش‌نامه از خودبینگانی تحصیلی جانسون² (2005) استفاده شد. این پرسش‌نامه از 4 گویه تشکیل

دانش‌آموزان با یکدیگر و با معلمان برقرار بوده و دانش‌آموزان هنجارهای مدرسه را به خوبی درونی‌سازی کرده باشند و همچنین محیط مدرسه را منصفانه ارزیابی کنند و فرصت برابری برای موفقیت در اختیار داشته باشند، آن‌ها احساس مثبتی نسبت به خود، درس و مطالعه را پرورش می‌دهند و در نتیجه میزان از خودبینگانی آنان کاهش می‌یابد. (الساندرو و ساد، 1997، هاسچر و هاگناتر، 2011) پژوهش هاسچر و هاگناتر (2011) نیز نشان داده است که وقتی کیفیت روابط دانش‌آموزان با یکدیگر و معلمان و همچنین کیفیت خدمات آموزشی در سطح بالایی باشد، میزان از خودبینگانی دانش‌آموزان نیز کاهش خواهد یافت. نکته‌ای که در پژوهش هاسچر و هاگناتر وجود دارد این است که آن‌ها متغیرهای سطح مدرسه را به همراه متغیرهای فردی مانند جنسیت و سن مورد تحلیل قرار داده‌اند و مشخص ننموده‌اند که تغییرات فرهنگ در سطح مدارس چه تأثیری بر از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد و پژوهش حاضر نیز جهت رسیدن به این هدف انجام می‌شود. با توجه به مطالبی که بیان گردید، هدف پژوهش حاضر بررسی چندسطحی ارتباط نیازهای روان‌شناختی اساسی، یعنی نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط در سطح فردی و فرهنگ مدرسه، یعنی انتظارات هنجاری، روابط دانش‌آموزان، روابط دانش‌آموزان با معلمان و فرصت‌های آموزشی در سطح مدرسه می‌باشد. بنابراین با توجه به پیشینه نظری و تجربی، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

- 1- نیاز به خودمختاری رابطه منفی با از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد.
- 2- نیاز به شایستگی رابطه منفی با از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد.
- 3- نیاز به ارتباط رابطه منفی با از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد.
- 4- بعد انتظارات هنجاری رابطه منفی با از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد.
- 5- بعد روابط دانش‌آموزان با یکدیگر رابطه منفی با از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان دارد.

1. Hierarchical linear modeling

2. Johnson

برای سنجش فرهنگ مدرسه از پرسش‌نامه فرهنگ مدرسه (الساندرو و ساد، 1997) استفاده شد. این مقیاس از 25 گویه تشکیل شده است که چهار بعد روابط دانش‌آموزان (4 گویه)، روابط معلمان (6 گویه)، انتظارات هنجاری (7 گویه) و فرصت‌های آموزشی (8 گویه) را می‌سنجند. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم «1» تا کاملاً موافقم «5» تنظیم شده است. ضریب پایایی این مقیاس در این مطالعه به ترتیب برای روابط

شده است. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً غلط «1» تا کاملاً درست «5» تنظیم شده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ در این مطالعه 0/79 بدست آمد که نشانگر پایایی مناسب ابزار می‌باشد. برای بررسی روایی این پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص‌های برازش $(X^2=4.32, df=2, p<0.11)$, $GFI=0.98$, $AGFI=0.92$, $SRMR=0.03$, $CFI=0.98$ نشانگر روایی مناسب این پرسش‌نامه است.

جدول 1. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

سطح	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشدگی
دانش آموز	از خودبیگانگی تحصیلی	2/55	1/07	0/43	-0/55
	نیاز به خودمختاری	3/06	0/79	0/59	0/67
	نیاز به شایستگی	3/54	0/75	-0/39	0/16
	نیاز به ارتباط	3/87	0/74	-0/62	0/19
مدرسه	روابط دانش‌آموزان	3/30	1/01	-0/42	-0/38
	روابط دانش‌آموزان و معلمان	3/13	1/03	-0/26	-0/73
	انتظارات هنجاری	2/94	1/04	-0/02	-0/87
	فرصت‌های آموزشی	3/36	0/88	-0/36	-0/04

دانش‌آموزان 0/78، روابط دانش‌آموزان و معلمان 0/82، انتظارات هنجاری 0/83 و فرصت‌های آموزشی 0/86 به دست آمد. برای بررسی روایی کل مؤلفه‌های این پرسش‌نامه نیز از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص‌های برازش $(p<0.001)$, $(X^2=397.58, df=269, AGFI=0.88, GFI=0.90)$, $SRMR=0.05$, $CFI=0.96$ نشانگر روایی مناسب این پرسش‌نامه است.

اطلاعات و داده‌ها

قبل ارائه نتایج مربوط به تحلیل چندسطحی داده‌ها، در جدول 1 شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش گزارش شده است. با توجه به جدول 1 شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد، نشانگر پراکندگی مناسب داده‌ها و شاخص‌های چولگی و کشیدگی نشانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشند. در جدول 2 ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش گزارش شده است. با توجه به این جدول رابطه روابط دانش‌آموزان

برای اندازه‌گیری نیازهای روان‌شناختی اساسی از مقیاس نیازهای روان‌شناختی اساسی لاگوردیا، ریان، کوچمن و دسی¹ (2000) استفاده شد. این مقیاس از 21 گویه تشکیل شده است که سه نیاز روان‌شناختی خودمختاری (7 گویه)، شایستگی (6 گویه) و ارتباط (8 گویه) را می‌سنجند. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً غلط «1» تا کاملاً درست «5» تنظیم شده‌اند. در این مطالعه ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای خودمختاری، شایستگی و ارتباط، 0/65، 0/70 و 0/81 به دست آمد که نشانگر پایایی مناسب ابزار می‌باشد. برای بررسی روایی کل مؤلفه‌های این پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص‌های برازش $(p<0.001)$, $(X^2=529.17, df=186, AGFI=0.89, GFI=0.91)$, $SRMR=0.05$, $CFI=0.91$ نشانگر روایی مناسب این پرسش‌نامه است.

جدول 2. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

سطح	متغیر	1	2	3	4	5	6	7	8
مدرسه	1- روابط دانش‌آموزان	1							
	2- روابط دانش‌آموزان و معلمان	0/42	1						
	3- انتظارات هنجاری	0/45	0/29	1					
	4- فرصت‌های آموزشی	0/52	0/58	0/45	1				
دانش‌آموز	5- نیاز به خودمختاری	0/32	0/40	0/16	0/34	1			
	6- نیاز به شایستگی	0/21	0/33	0/13	0/32	0/38	1		
	7- نیاز به ارتباط	0/38	0/14	0/19	0/32	0/23	0/33	1	
	8- از خودبینگانی تحصیلی	-0/31	-0/35	-0/28	-0/42	-0/33	-0/43	-0/29	1

دانش‌آموزان و معلمان $(f=5.34, p<0.001)$ ، روابط دانش‌آموزان و معلمان $(r=-0/31)$ ، انتظارات هنجاری $(r=-0/28)$ ، فرصت‌های آموزشی $(r=-0/42)$ ، نیاز به خودمختاری $(r=-0/33)$ ، شایستگی $(r=-0/43)$ و ارتباط $(r=-0/29)$ با از خودبینگانی تحصیلی منفی و معنی‌دار می‌باشد.

با توجه به ساختار داده‌های سلسله مراتبی (در اینجا سطح دانش‌آموز و مدرسه) مدل‌یابی خطی سلسله مراتبی دوسطحی (HLM) برای بررسی از خودبینگانی تحصیلی نوجوانان مورد استفاده قرار گرفت. دو پیش‌نیاز انجام تحلیل چندسطحی عبارتند از: تفاوت میانگین متغیرهای مورد بررسی در سطح بالا (وجود تفاوت بین میانگین ابعاد فرهنگ مدرسه در 28 مدرسه) و توافق درون گروهی در صفات مشترک (اجماع ارزیابی افراد درون هر مدرسه از متغیرهای سطح فردی). شاخص توافق درون گروهی (عزیزی و روستا، 1389) برای ابعاد روابط

مدل صرفاً عدد ثابت است. مدل صرفاً عدد ثابت (مدل اول) به دنبال بررسی تفاوت میانگین متغیرهای سطح بالا (فرهنگ مدرسه) در بین مدارس مورد بررسی است. در مدل ضرایب تصادفی (مدل دوم)، آثار مستقیم متغیرهای سطح پایین‌تر (نیازهای روان‌شناختی اساسی) بر متغیر وابسته (از خودبینگانی تحصیلی) بررسی می‌شود. مدل اعداد ثابت به عنوان پیامد (مدل سوم) به دنبال بررسی اثر مستقیم متغیرهای سطح بالا بر متغیرهای وابسته سطح پایین است. در مدل شیب‌ها به عنوان پیامد (مدل چهارم)، وجود آثار تعدیل‌گر متغیرهای

جدول 3. مدل صرفاً دارای عدد ثابت

Intercept only model/ One way ANOVA	γ_{00}	τ_{00}	σ^2	ICC
L1: Alienation _{ij} = β_{0j} + r_{ij}	2/56***	0/11***	1/04	0/10
L2: $\beta_{0j}=\gamma_{00}+u_{0j}$				
Alienation _{ij} = $\gamma_{00}+u_{0j}+r_{ij}$	p<0.001***			

سطح بالا (مدرسه) بر ارتباط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته در سطح پایین (فردی) بررسی می‌شود. با توجه به اینکه در این تحقیق بررسی آثار تعدیل‌کنندگی مدنظر نمی‌باشد، از اجرای این مدل صرف‌نظر شده است.

دانش‌آموزان 0/78، روابط دانش‌آموزان و معلمان 0/82، انتظارات هنجاری 0/83 و فرصت‌های آموزشی 0/86 به دست آمد که از حداقل آستانه یعنی 0/70 بیشتر می‌باشد. نتایج تحلیل واریانس برای ابعاد روابط دانش‌آموزان $(f=10.10, p<0.001)$ ، روابط

مدل صرفاً دارای عدد ثابت¹

(-0/44) و نیاز به ارتباط (-0/19) بر از خودبستگی تحصیلی اثر منفی دارند و به عبارت دیگر فرضیه‌های اول، دوم و سوم مورد حمایت قرار می‌گیرند. این یافته‌ها به این معنا هستند که در متغیر نیاز به خودمختاری مدرسی که دانش‌آموزان آن‌ها دارای نیاز به خودمختاری بالایی می‌باشند، میانگین از خودبستگی تحصیلی این دانش‌آموزان به اندازه 0/22 کمتر از مدرسی است که دانش‌آموزان آن دارای نیاز به خودمختاری پایین هستند. در مورد نیاز به شایستگی نیز مدرسی که دانش‌آموزان آن‌ها دارای نیاز به شایستگی بالایی می‌باشند، میانگین از خودبستگی تحصیلی این دانش‌آموزان به اندازه 0/44 کمتر از مدرسی است که دانش‌آموزان آن دارای نیاز به شایستگی پایین هستند. همچنین در مورد نیاز به ارتباط مدرسی که دانش‌آموزان آن‌ها دارای نیاز به ارتباط بالایی می‌باشند، میانگین از خودبستگی تحصیلی این دانش‌آموزان به اندازه 0/19 کمتر از مدرسی است که دانش‌آموزان آن دارای نیاز به ارتباط پایین هستند. علاوه بر آن پارامتر واریانس از

در این مدل همبستگی درون طبقه‌ای (ICC) (درصدی از واریانس از خودبستگی تحصیلی دانش‌آموزان است که از تفاوت بین مدارس مختلف نشأت می‌گیرد) محاسبه می‌شود. مقدار ICC باید از 0/05 بیشتر باشد. یافته‌های جدول 3 نشان می‌دهد که پارامتر واریانس از خودبستگی تحصیلی در بین مدارس مختلف (τ_{00}) 0/11 و در درون مدارس (σ^2) 1/04 می‌باشد. پارامتر واریانس از خودبستگی تحصیلی در بین مدارس مختلف در سطح 0/001 معنی‌دار می‌باشد و نشان می‌دهد که میانگین از خودبستگی در بین مدارس متفاوت است و مقداری از واریانس این متغیر ناشی از تفاوت بین مدارس است. همبستگی درون طبقه‌ای نیز 0/10 می‌باشد که نشان می‌دهد 10 درصد از تغییرات از خودبستگی دانش‌آموزان ناشی از تفاوت بین مدارس است.

مدل ضرایب تصادفی²

در این مدل نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط به مدل وارد شدند. خروجی این مرحله نشان می‌دهد، آیا نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط بر از خودبستگی تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر هستند؟

جدول 4. مدل ضرایب تصادفی

Random coefficient model	γ_{00}	γ_{10}	γ_{20}	γ_{30}	τ_{00}	σ^2	R^2
L1: $Alienation_{ij} = \beta_{0j} + \beta_{1j} * (Autonomy_{ij}) + \beta_{2j} * (Competence_{ij}) + \beta_{3j} * (Relatedness_{ij}) + r_{ij}$	2/56***	-0/22***	-0/44***	-0/19***	0/12***	0/82	0/13
L2: $\beta_{0j} = \gamma_{00} + u_{0j}$							
$Alienation_{ij} = \gamma_{00} + \gamma_{10} * Autonomy_{ij} + \gamma_{20} * Competence_{ij} + \gamma_{30} * Relatedness_{ij} + u_{0j} + r_{ij}$							$p < 0.001$ ***

خودبستگی تحصیلی در بین مدارس 0/12 می‌باشد که در سطح 0/001 معنی‌دار است. ضریب R^2 نشان می‌دهد، حدود 13 درصد از تغییرات از خودبستگی تحصیلی ناشی از نیازهای روان‌شناختی اساسی است.

مدل اعداد ثابت به عنوان پیامد³

نتایج این مدل در جدول 5 نشان می‌دهد که روابط دانش‌آموزان و معلمان (γ_{02}) (-0/56) و فرصت‌های آموزشی (γ_{04}) (-0/27) اثر منفی و معنی‌داری در

همچنین از آنجایی که هیچ فرض قبلی راجع به تفاوت مدارس در متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در این مطالعه وجود نداشت، شیب‌ها ثابت و تنها عرض از مبدأ در بین مدارس متفاوت در نظر گرفته شدند. در جدول 4 نتایج آزمون این مدل گزارش شده است.

معنی‌داری ضرایب γ_{10} ، γ_{20} و γ_{30} نشان می‌دهد که نیاز به خودمختاری (-0/22)، نیاز به شایستگی

3. Intercepts as outcomes

1. Intercept Only model
2. Random coefficient model

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی چندسطحی ارتباط فرهنگ مدرسه و نیازهای روان‌شناختی اساسی با از خودبیبگانگی تحصیلی نوجوانان بود. نتایج تحلیل نشان داد که متغیرهای سطح فردی یعنی نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط به صورت معنی‌داری قادر به پیش‌بینی 13 درصد از تغییرات متغیر وابسته هستند. متغیرهای سطح مدرسه یعنی فرهنگ مدرسه که شامل روابط دانش‌آموزان، روابط دانش‌آموزان و معلمان، فرصت‌های آموزشی و انتظارات هنجاری بودند، قادر به پیش‌بینی 6 درصد از تغییرات از خودبیبگانگی تحصیلی بودند که اثر دو بعد روابط دانش‌آموزان و معلمان و فرصت‌های آموزشی معنی‌دار بود.

معنی‌داری اثر منفی نیاز به خودمختاری بر از خودبیبگانگی تحصیلی نوجوانان نشانگر آن است که وقتی دانش‌آموزان احساس خودمختاری و آزادی عمل در انتخاب و کاربرد روش‌های حل مسائل و انجام تکالیف درسی داشته باشند، آن‌ها بیشتر با درس و مدرسه عجین شده و احساس از خودبیبگانگی تحصیلی کمتری خواهند نمود. این یافته با نتایج

سطح 0/001 بر از خودبیبگانگی تحصیلی دانش‌آموزان دارند. این یافته‌ها به معنای آن هستند که در متغیر روابط دانش‌آموزان و معلمان مدرسی که فرهنگ آن‌ها در این بعد از حد بالایی قرار دارد، میانگین از خودبیبگانگی تحصیلی دانش‌آموزان این مدارس به اندازه 0/56 کمتر از مدرسی است که فرهنگ مدرسه آن‌ها در بعد روابط دانش‌آموزان و معلمان در وضعیت پایینی قرار دارد. همچنین در بعد فرصت‌های آموزشی نیز مدرسی که فرهنگ مدرسه آن‌ها در این بعد در وضعیت بالایی قرار دارد، میزان از خودبیبگانگی تحصیلی دانش‌آموزان این مدارس نیز به اندازه 0/27 کمتر از مدرسی است که فرهنگ مدرسه آن‌ها در این بعد در وضعیت پایینی قرار دارد. علاوه بر آن پارامتر واریانس از خودبیبگانگی تحصیلی در بین مدارس 0/05 می‌باشد که در سطح 0/001 معنی‌دار است. ضریب تعیین مدل نشان می‌دهد که 6 درصد از واریانس از خودبیبگانگی تحصیلی ناشی از متغیرهای سطح مدرسه یعنی فرهنگ مدرسه می‌باشد. با توجه به این جدول از فرضیه‌های شماره 6 و 7 (اثر معنی‌دار روابط دانش‌آموزان و معلمان و فرصت‌های آموزشی بر از خودبیبگانگی تحصیلی) حمایت می‌شود و

جدول 5. مدل اعداد ثابت به عنوان پیامد

Random coefficient model	γ_{00}	γ_{10}	γ_{20}	γ_{30}	τ_{00}	σ^2	R^2
L1: $Alienation_{ij} = \beta_{0j} + \beta_{1j} * (Autonomy_{ij}) + \beta_{2j} * (Competence_{ij}) + \beta_{3j} * (Relatedness_{ij}) + r_{ij}$	2/56***	-0/22***	-0/44***	-0/19***	0/05***	0/82	0/06
L2: $\beta_{0j} = \gamma_{00} + \gamma_{01} * (Students_j) + \gamma_{02} * (Teachers_j) + \gamma_{03} * (Norms_j) + \gamma_{04} * (Opportunity_j) + u_{0j}$		γ_{01}	γ_{02}	γ_{03}	γ_{04}		
		-0/02	-0/56***	0/01	-0/27***		
$Alienation_{ij} = \gamma_{00} + \gamma_{01} * Students_j + \gamma_{02} * Teachers_j + \gamma_{03} * Norms_j + \gamma_{04} * Opportunity_{ij} + \gamma_{10} * Autonomy_{ij} + \gamma_{20} * Competence_{ij} + \gamma_{30} * Relatedness_{ij} + u_{0j} + r_{ij}$							$p < 0.001$ ***

تحقیقات اژه‌ای، خضری‌آذر، بابایی و امانی (1387)، تنهای رشوانلو و حجازی (1388) و قلاوندی، امانی ساری بگلو، غلامی و اکبری‌سوره (1392) همسو می‌باشد. همان‌طور که در مقدمه اشاره گردید یکی از عوامل زمینه‌ساز از خودبیبگانگی، احساس عدم توانایی در کنترل رویدادهای محیطی است. نیاز به خودمختاری نیز، نیاز به داشتن کنترل بر رویدادهای محیطی است. بنابراین هرچه دانش‌آموزی کنترل

فرضیه‌های 4 و 5 تأیید نمی‌شوند. یعنی روابط دانش‌آموزان و انتظارات هنجاری اثر معنی‌داری بر از خودبیبگانگی تحصیلی دانش‌آموزان ندارند. همچنین یافته‌های جدول 5 نشان می‌دهند که با ورود متغیرهای سطح مدرسه، متغیرهای سطح فردی یعنی نیازهای روان‌شناختی اساسی هنوز هم اثر منفی و معنی‌داری بر متغیر وابسته دارند.

احساس از خودبیگانگی کمتری خواهند نمود. وقتی معلمان از دانش‌آموزان پذیرش متقابل، بی‌قید و شرط و بدون اعمال کنترل داشته باشند، آن‌ها برای انجام تکالیف خود احساس انگیزش درونی نموده و میزان بی‌انگیزگی و بیگانگی آنان از یادگیری کاهش می‌یابد. (ریو، 2009) از طرف دیگر پذیرش متقابل و وجود احترام، باعث می‌شود دانش‌آموزان روابط دوستانه و صمیمانه‌ای با معلمان برقرار کنند که این امر منجر به بالا رفتن حس انسجام با دیگران می‌شود و در نتیجه باعث کاهش از خودبیگانگی آنان می‌شود. این یافته با یافته‌های تحقیق هاچر و هاگناتر (2011)، فلاوندی، امانی ساری‌بگلو و بابایی‌سنگلجی (1391) و اکبری سوره، امانی و محمودی (1392) همسو می‌باشد. این یافته‌ها از ساختار نظریه همبستگی اجتماعی امیل دورکیم حمایت می‌کند که بیان می‌کند که عدم وجود همبستگی و حمایت اجتماعی در جامعه یکی عامل تاثیرگذار بر بروز آنومی یا بی‌هنجاری می‌باشد. (کوزر، 1386)

یافته‌های پژوهش نشان دادند که فرصت‌های آموزشی اثر منفی بر از خودبیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان دارد. این مفهوم اشاره به کیفیت و کمیت ارائه خدمات آموزشی در مدرسه دارد. یکی از عوامل زمینه‌ساز کجروی و بی‌هنجاری² در یک محیط این است که فرد به این باور برسد امکانات و فرصت‌ها به صورت عادلانه و مساوی تقسیم نشده‌اند. در این صورت فرد برای به‌دست آوردن این امکانات دست به اقدامات غیرقانونی می‌زند. (گیدنز، 1386) در محیط مدرسه نیز وقتی امکانات و فرصت‌های آموزشی به صورت برابری به دانش‌آموزان اختصاص داده نشوند و آن‌ها احساس نوعی بی‌عدالتی و تبعیض در این باره کنند، انگیزش تحصیلی آنان کاهش پیدا کرده و این امر منجر به بیگانگی از تحصیل و ترک تحصیل و یا بروز رفتارهای خرابکارانه در مدرسه می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش هاچر و هاگناتر (2011)، فلاوندی و همکاران (1391) و اکبری و

بیشتری بر وقایع محیط اطراف خود داشته باشد، به همان نسبت احساس انسجام بیشتری با این محیط خواهد نمود.

معنی‌دار بودن اثر منفی نیاز به شایستگی بر از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان نشان می‌دهد که هر چه دانش‌آموزی احساس شایستگی و کفایت در امور تحصیلی نماید، این دانش‌آموز با احتمال کمتری دچار از خودبیگانگی می‌شود. زیرا احساس تسلط بر تکالیف سطح انگیزش او را افزایش داده و باعث افزایش تمرکز و جذب شدن در آن تکلیف می‌شود. (ریو، 2009) این یافته با نتایج تحقیق لگولت و همکاران (2006)، اژه‌ای و همکاران (1387) و فلاوندی و همکاران (1392) همسو می‌باشد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند که نیاز به ارتباط اثر منفی بر از خودبیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که کاهش همبستگی و انسجام اجتماعی از عوامل زمینه‌ساز بی‌هنجاری و از خودبیگانگی می‌باشد. (کوزر، 1386) بنابراین هر چه قدر دانش‌آموزی با دیگران روابط دوستانه و محکمی داشته باشد به همان نسبت احساس انزوا و از خودبیگانگی کمتری خواهد کرد. این یافته با نتایج پژوهش رویایی و وایتینگ (2005)، اژه‌ای و همکاران (1387) و فلاوندی و همکاران (1392) همسو می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که نیاز به شایستگی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. بنابراین می‌توان گفت که وقتی دانش‌آموزان احساس می‌کنند قادرند که بر تکالیف و موضوعات درسی خود مسلط شوند، آن‌ها پدید روانی¹ را تجربه نموده و به طور کامل با درس عجین می‌شوند و در نتیجه این امر باعث افزایش انگیزش درونی و کاهش بی‌انگیزشی و جدایی از تحصیلی می‌شود.

معنی‌داری اثر منفی روابط دانش‌آموزان و معلمان بر از خودبیگانگی تحصیلی نشان می‌دهد که هرچه در محیط مدرسه رابطه دانش‌آموزان با معلمان، همراه با پذیرش، احترام، حمایت و اعتماد متقابل باشد، آن‌ها

به موفقیت‌های آنان و تأکید بر همکاری به جای رقابت، زمینه برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی را فراهم نمایند. همچنین به مدیران مدارس پیشنهاد می‌شود جهت بهبود فرهنگ مدرسه اقداماتی از قبیل تقویت همکاری بین دانش‌آموزان، تأکید کمتر بر رقابت و همچنین ایجاد فضایی برای بیان نظرات سازنده توسط معلمان و دانش‌آموزان و ایجاد و تقویت اعتماد بین خود و سایر معلمان و دانش‌آموزان را انجام دهند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه فرهنگ مدرسه و نیازهای روان‌شناختی اساسی با از خودبیبگانگی تحصیلی پرداخت و نشان داده که متغیرهای سطح مدرسه یعنی فرهنگ مدرسه و سطح فردی یعنی نیازهای روان‌شناختی بر از خودبیبگانگی تحصیلی تأثیر دارند. اما میزان واریانس تبیین شده برای فرهنگ مدرسه 6 درصد و نیازهای روان‌شناختی 13 درصد بود. این امر نشان می‌دهد که عوامل دیگری نیز در سطح مختلف مانند سطح فردی، کلاس درس و مدرسه بر این متغیر تأثیر می‌گذارند که لزوم شناسایی و بررسی آن‌ها در پژوهش‌های آتی احساس می‌شود. همچنین با توجه به پیچیده بودن مفهوم فرهنگ پیشنهاد می‌شود با استفاده از تحقیقات کیفی نحوه تأثیر فرهنگ مدرسه بر انزوای دانش‌آموزان از امر تحصیل مورد بررسی قرار گیرد. همچنین نمونه مورد بررسی تحقیق حاضر دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان قم بودند. بنابراین تعمیم‌یافته‌ها به دانش‌آموزان دوره‌ها یا شهرهای دیگر با محدودیت مواجه است و لازم است تحقیقات در زمینه تعمیم‌پذیری یافته‌ها تکرار گردد.

اکبری سوره، پروا؛ امانی، جواد؛ محمودی، حجت. (1392). تحلیل کانونی رابطه فرهنگ مدرسه و از خودبیبگانگی تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر ارومیه. دومین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، مهاباد.

تنهای رشوانلو، فرهاد؛ حجازی، الهه. (1388). ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان

همکاران (1392) همسو می‌باشد. علاوه بر آن یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در بین دو متغیر تأثیرگذار در سطح مدرسه، کیفیت تعامل بین معلم و شاگردان مهمترین عامل تأثیرگذار بر از خودبیبگانگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد و حمایت و پذیرش معلمان منجر به افزایش انگیزش و عجزین شدن با تحصیل در دانش‌آموزان می‌شود.

عدم معنی‌داری تأثیر روابط دانش‌آموزان و انتظارات هنجاری بر از خودبیبگانگی تحصیلی نوجوانان نشانگر آن است که روابط دوستانه دانش‌آموزان با یکدیگر در محیط مدرسه تأثیری بر انگیزش آن‌ها در زمینه تحصیل ندارد و آن‌ها این انگیزش را از طریق منابع دیگر مانند رابطه و همانندسازی با معلمان دریافت می‌کنند. همچنین می‌توان گفت رعایت قوانین و هنجارهای مدرسه به عنوان یک لایه متفاوت در محیط مدرسه عمل می‌کند که بیشتر با درونی‌سازی هنجارهای جامعه ارتباط دارد تا انگیزش تحصیلی و با توجه به اینکه در نظام آموزشی ما بعضی از دروس ارتباط اندکی با جامعه دارند، این عدم ارتباط منطقی به نظر می‌رسد. این یافته با نتایج پژوهش هاجر و هاگناتر (2011)، قلاوندی و همکاران (1391) و اکبری و همکاران (1392) ناهمسو می‌باشد.

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهایی به معلمان و مدیران جهت کاهش از خودبیبگانگی دانش‌آموزان ارائه داد. جهت تسهیل برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی دانش‌آموزان، معلمان می‌توانند با دادن آزادی عمل به دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری‌شان و با فراهم کردن ارتباط بین فعالیت‌های مدرسه و علایق دانش‌آموزان، ارائه پس‌خوراند مثبت

منابع

اژه‌ای، جواد؛ خضری آذر، هیمن؛ بابایی، محسن؛ امانی، جواد. (1387). الگوی ساختاری روابط بین حمایت از خودمختاری ادراک‌شده معلم، نیازهای روان‌شناختی اساسی، انگیزش درونی و تلاش، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، 2(4).

- قلاوندی، حسن؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ غلامی، تقی؛ اکبری سوره، پروا. (1392). فرهنگ مدرسه و از خودبیگانگی تحصیلی: نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی اساسی. راهبرد فرهنگ 24، 99-166.
- کوزر، لیونیس. (1971). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی (1386). تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی. (1386). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- Alessandro, A. & D. Sath. (1997). The dimensions and measurement of school culture: Understanding school culture as the basis for school reform. *International Journal of Educational Research*, 27, 553-569.
- Brown, M.N, Higgins, K. & Paulsen, K. (2003). Adolescent Alienation: What Is It and What Can Educators Do About It?, *Intervention in School and Clinic*, 39(1), 3-9.
- Dean, D. G. (1961). Alienation: Its meaning and measurement. *American Sociological Review*, 26(4), 753-758.
- Hascher, T. & G. Hagenauer. (2010). Alienation from school. *International Journal of Educational Research*, 49, 220-232.
- Hofstede, G.; G.J. Hofstede & M. Minkov. (2010). *Culture and organization: Software of the mind*. (3ed). New York: McGraw-Hill.
- Jacobs, J. E., Lanza, S., Osgood, D. W., Eccles, J. S., & Wigfield, E. (2002). Changes in children's self competence and values: Gender and domain differences across grades one through twelve. *Child Development*, 73, 509-527.
- Johnson, G. M. (2005). Student Alienation, Academic Achievement, and WebCT Use. *Educational Technology & Society*, 8(2), 179-189.
- Kalil, A., & Ziol-Guest, K.M. (2008). Teacher support, school goal structures, and teenage mothers' school engagement. *Youth and Society*, 39(4), 524-548.
- La Guardia, J. G.; R.M. Ryan; C.E. Couchman & E.L. Deci. (2000). Within-person variation in security of attachment: A self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 367-384.
- Legault, L., Green-Demers, I., & Pelletier, L. (2006). Why do high school students lack motivation in the classroom? Toward an understanding of academic amotivation and the role of social support. *Journal of Educational Psychology*, 98(3), 567-582.
- Mann, S. J. (2001). Alternative perspective on the student experience: Alienation and engagement. *Studies in Higher Education*, 26, 7-13.
- Purkey, S. C. (1990). A cultural-change approach to school discipline. In O.C. Moles (Ed.), *Student discipline strategies: Research and practice*. New York: State University of New York Press.
- Reeve, J.M. (2009). *Understanding motivation and emotion* (5ed.). New York: Wiley.
- Rovai, A. P. & M. J. Wighting. (2005). Feelings of alienation and community among higher education students in a virtual classroom. *Internet and Higher Education*, 8, 97-110.
- Seaman, M. (1959). On the meaning of alienation. *American Sociological Review*, 24(6), 783-791.
- Sorebo, O. ; H. Halvari; V.F. Gulli & R. Kristiansen. (2009). The role of self-determination theory in explaining teachers' motivation to continue to use e-learning technology. *Computers & Education*, 53, 1177-1187.
- Trusty, J. & K. Dooley-Dickey. (1993). Alienation from school: An exploratory analysis of elementary and middle school students' perceptions. *Journal of Research and Development in Education*, 26(4), 232-242.
- دبیرستانی. دانشور رفتار، سال 16، شماره 39، 1-14.
- عزیزی، شهریار؛ روستا، احمد. (1389). عوامل مؤثر بر عملکرد نیروی فروش با رویکرد دوسطحی. مدیریت بازرگانی، 2(5)، 108-95.
- قلاوندی حسن؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ بابایی سنگلجی، محسن. (1391). تحلیل کانونی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی اساسی در میان دانش‌آموزان. اندیشه‌های نوین تربیتی، 4(4)، 9-28.